



## طراحی مدل عملکرد مالی صنعت بانکداری برای حمایت از کسب و کارهای کوچک و متوسط (SMEs) با تأکید بر کارآفرینی

انوشیروان محرابی<sup>۱</sup>، بابک حاجی کریمی<sup>۲</sup> و امیر نجفی<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۶/۱۶ و تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۸/۲۷

### چکیده

هدف از پژوهش حاضر طراحی مدل عملکرد مالی صنعت بانکداری برای حمایت از کسب و کارهای کوچک و متوسط (SMEs) با تأکید بر کارآفرینی در بانک ملت می‌باشد. در بخش کیفی جامعه آماری موردنظر را خبرگان آشنا به موضوع پژوهش (اساتید دانشگاه در حوزه بانکداری و کارآفرینی و مدیران ارشد بانک ملت) تشکیل می‌دادند. نمونه‌گیری به صورت نظری انجام شد، بنابراین با ۱۲ نفر از صاحب‌نظران (اساتید دانشگاه در حوزه بانکداری و کارآفرینی و مدیران ارشد بانک ملت) مصاحبه و حالت اشباع حاصل شد. رویکرد پژوهش گراند تئوری یا تئوری داده بنیاد بود که با مصاحبه با خبرگان و انجام سه نوع کدگذاری باز، محوری و انتخابی انجام شد. جمع‌آوری داده‌ها از طریق مصاحبه با خبرگان بوده است. برای سطح‌بندی و رتبه‌بندی عوامل و تعیین نوع متغیرها و همچنین بررسی روابط بین متغیرهای مدل، تعیین شدت روابط و شناسایی تأثیرگذاری و تأثیرپذیری معیارها از روش ترکیبی ISM-DEMATEL استفاده شد در بخش کمی بعد از جمع‌آوری اطلاعات، داده‌ها با نرم‌افزار SPSS و Smart PLS مورد آنالیز قرار گرفت. نتایج نشان داد که مقوله‌های اصلی مدل شامل اعتبارسنجی، زیرساخت، سیاست مالی، سرمایه‌گذاری، ریسک و شفافیت می‌باشد. همچنین بر اساس یافته‌های تحقیق در سطح اول شامل مدیریت ریسک، سطح دوم شامل سرمایه‌گذاری و شفافیت مالی، سطح سوم شامل زیرساخت، سطح چهارم شامل اعتبارسنجی و سطح پنجم شامل سیاست‌های مالی می‌باشد. شاخص GOF در این پژوهش ۰/۴۱۶ به دست آمد که نشان‌دهنده قوی بودن برازش مدل ساختاری می‌باشد.

**واژه‌های کلیدی:** عملکرد مالی، صنعت بانکداری، کسب و کارهای کوچک و متوسط، گراند تئوری، مدل‌سازی ساختاری.

۱. دانشجوی دکتری مدیریت صنعتی گرایش مالی، واحد اهر، دانشگاه آزاد اسلامی، اهر، ایران، smehrabian@gmail.com

۲. استادیار گروه مدیریت صنعتی، واحد اهر، دانشگاه آزاد اسلامی، اهر، ایران (نویسنده مسئول)؛

hajikarimibabak@gmail.com

۳. دانشیار گروه مدیریت صنعتی، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران، asdnjfg@gmail.com

## مقدمه

امروزه صنعت بانکداری، از جمله صنایع مهم و مطرح دنیاست و گسترش روزافزون دانش بشری در زمینه علوم الکترونیکی سبب شده است که این صنعت نیز از این دانش بهره فراوان داشته باشد. امروزه بانکها در کشورهای پیشرفته به عنوان رهگشا، مشاور حرفه‌ای، متخصص در افزایش منابع مالی شرکتها و جمع‌آوری و تبادل اطلاعات لازم برای مشتریان خود عمل می‌کنند و یکی از موتورهای محرک اقتصادی هر کشور محسوب می‌شوند. این امر سبب شده است تا فضای رقابتی تنگاتنگی میان آنها برقرار شود (منشن و باوش<sup>۱</sup>، ۲۰۲۰).

از طرفی دیگر کارآفرینی نیروی عمده‌ای برای پیشبرد توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به شمار می‌رود و مفهومی است که همواره کنار بشر بوده و به عنوان یک پدیده نوین نقش مؤثر در توسعه و پیشرفت اقتصادی کشورها داشته است. از این رو تضمین حیات و بقا کشورها نیازمند نوآوری، ابداع و خلق محصولات و خدمات جدید می‌باشد و یکی از ویژگی‌های مشترک این دسته الگوها، توجه به عوامل محیطی اثرگذار بر کارآفرین و جریان کارآفرینی است (سودی و همکاران، ۱۳۹۶). نگرش کارآفرینانه یکی از قابلیت‌های درونی شرکتها است که موجب بهبود عملکرد می‌شود. گرایش کارآفرینی به تمایل شرکتها برای کشف فرصت‌ها تازه در بازار اشاره دارد و از طریق تمایل شرکتها به پذیرش خلاقیت، رقابت تهاجمی، استقلال و ریسک‌پذیری آشکار می‌گردد (کوبین و همکاران<sup>۲</sup>، ۲۰۲۰). در واقع گرایش کارآفرینانه یک فرایند ایجاد راهبرد می‌باشد که شرکتها را به سوی نوآوری مستمر هدایت می‌کند. این مهم به جایگاه‌یابی سازمان در بازار کمک نموده و پذیرش سرمایه‌گذاری‌های ریسک دار را افزایش می‌دهد (ریورا و رومر<sup>۳</sup>، ۲۰۲۱). گرایش کارآفرینانه به عنوان گرایشی راهبردی در سطح بنگاه تلقی می‌شود و استراتژی‌های شرکت، فلسفه مدیریتی شرکت و رفتار شرکت با ماهیت کارآفرینانه را شامل می‌شود. گرایش کارآفرینانه بعد از حدود دو دهه به یکی از کاربردی‌ترین مؤلفه‌ها در ادبیات کارآفرینی مبدل شده و به عنوان مؤلفه‌ای مستقل در بسیاری از پژوهش‌ها استفاده شده است (ولز و همکاران<sup>۴</sup>، ۲۰۱۹).

این در حالی است که گسترش کسب‌وکارهای کارآفرینانه در ایران سابقه چندانی ندارند. تا مدت‌ها قبل، اقتصاد ایران بر اساس اولویت‌دهی به صنایع بزرگ و کارخانه‌های مهم بود و نقش کسب‌وکارهای کارآفرینانه و سازمان‌های نوپا در اقتصاد، جدی گرفته نمی‌شد. از سویی دیگر مطالعات نشان می‌دهند که کسب‌وکارهای کارآفرینانه نقش بسزایی در صادرات و تجارت بین‌المللی ایفاء می‌نمایند. بر این اساس، ضروری است مؤلفه‌هایی که موفقیت کسب‌وکارهای کارآفرینانه را در بازارهای بین‌المللی تضمین می‌کند، شناسایی گردند. باین‌وجود، مطالعات داخلی توجه چندانی به این مسئله نداشته و از این منظر یک شکاف تحقیقاتی وجود دارد (مقدم و همکاران، ۱۴۰۱).

<sup>۱</sup>-Mansion, S. E., & Bausch,

<sup>۲</sup>- Covin, et al.

<sup>۳</sup>- Riviere & Romero

<sup>۴</sup>- Wales, et al.

سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (۲۰۲۰) میزان و تأثیر وام‌های اهدایی بانک‌ها به شرکت‌های کوچک و متوسط را بررسی کردند. نتایج آن‌ها نشان داد که در سال‌های اخیر حجم وام‌های اعطایی به کسب‌وکارهای کوچک و متوسط از طریق بانک‌ها افزایش قابل توجهی داشته است. استیبل و وبنر<sup>۱</sup> (۲۰۲۰) با به‌کارگیری داده‌های تابلویی از شرکت‌های اروپایی به تحلیل آثار داخلی و بین‌المللی سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه پرداختند تا رشد و محدودیت‌های مالی شرکت‌های هدف را بیابند بر اساس نتایج بنگاه‌های موردبررسی دسترسی به منابع مالی خارجی بهتری دارند و در صورت دستیابی به این منابع مالی وابستگی کمتری به سرمایه‌گذاری و پس‌انداز پول را نشان می‌دهند.

لی و ژانگ<sup>۲</sup> (۲۰۱۹) در پژوهش خود، روابط علت و معلولی بین نا اطمینانی سیاست‌های اقتصادی و تصمیم‌گیری درباره تأمین مالی سرمایه‌گذاری بنگاه‌ها با استفاده از اصلاح ساختاری سمت عرضه در چین را شناسایی کرده‌اند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که سیاست‌های اقتصادی به‌طور معناداری مانع از سرمایه‌گذاری واقعی می‌شود و صدور خالص بدهی برای بنگاه‌های خصوصی را کاهش می‌دهد. نهاد بین‌المللی مالی - (۲۰۱۹) که یکی از مؤسسات آموزشی و مشاوره‌ای زیر نظر بانک جهانی است فرصت‌ها و تهدیدهای ارائه خدمات بانکی به بنگاه‌های کوچک و متوسط را موردبررسی قرار داده و عوامل تأثیرگذار بر تأمین مالی بانکی این کسب‌وکارها را واکاوی نموده است. نتایج آن‌ها نشان داد که تأمین مالی خوب شرکت‌های کوچک و متوسط خصوصاً در سال‌های ابتدایی می‌تواند باعث شکوفایی شرکت‌ها شود. گامپاتریا و مانیکاواساگما<sup>۳</sup> (۲۰۱۱) مدل رتبه‌بندی اعتباری در کسب‌وکارهای کوچک و متوسط بر اساس قوانین و مقررات موجود در کمیته بازل را توسعه داده‌اند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که علاوه بر فاکتورها و مؤلفه‌های کمی، برای رتبه‌بندی اعتباری این نوع شرکت‌ها به مؤلفه‌های کیفی از قبیل ثبات مدیریتی، تعهد مدیریتی و... نیز باید در نظر گرفته شوند.

عملکرد نهادهای مالی در پرداخت وام به بنگاه‌های کوچک و متوسط باوجود آنکه بنگاه‌های کوچک و متوسط می‌توانند بخشی از وجوه موردنیاز خود را به شکل وام‌هایی از مؤسسات مالی به‌ویژه بانک‌های تجاری دریافت نمایند که این وجوه می‌تواند از بازارهای داخلی و بین‌المللی فراهم شود؛ اما با توجه به وثایقی که بانک‌ها برای ارائه تسهیلات به این بنگاه‌ها دریافت می‌کنند، معمولاً آن‌ها نمی‌توانند به این منابع دسترسی آسان و ارزان داشته باشند؛ زیرا بانک‌ها اغلب ترجیح می‌دهند با صنایع بزرگ که تولیدات آن‌ها تأمین شده است، وارد معامله و وام‌دهی شوند و تولیدکنندگان کوچک که معمولاً آینده قابل تضمینی نداشته و احتمال ورشکستگی بالایی دارند، چندان از طرف بانک‌های تجاری موردحمایت قرار نمی‌گیرند و میزان وام پرداختی به آن‌ها بسیار پایین است و این واحدهای کوچک صنعتی تنها بعد از مستحکم کردن موقعیت خود درصحنه تولید و جلب اعتماد مشتریان است که بانک‌ها و مؤسسات مالی حاضر به مشارکت مالی با این واحدهای کوچک تولیدی می‌شوند. درراه رسیدن به این مرحله

<sup>۱</sup> - Stiebale and Wobner

<sup>۲</sup> - Liu & Zhang

<sup>۳</sup> - Gumparthi, Khatri, Swetha & Manickavasagam

از استحکام و اعتمادسازی، واحدهای تولیدی کوچک بسیاری از پا درمی‌آیند و از گردونه‌ی کسب‌وکار حذف می‌شوند (آزاده و همکاران، ۱۴۰۱)؛ بنابراین این واحدهای کوچک تولید همواره برای تأمین سرمایه و منابع مالی لازم برای خرید مواد اولیه، خرید ماشین‌آلات جدید و گسترش خط تولید با مشکل مواجه هستند و نیاز به مراجعی دارند که یا این منابع را برای آن‌ها فراهم کنند یا نزد بانک‌ها ضمانت واحدهای تولیدی کوچک را کنند تا آن‌ها بتوانند از منابع مالی بانک‌ها و سایر مؤسسات مالی استفاده کنند

### مبانی نظری و پیشینه پژوهش

ضرورت نظری و علمی انجام این مطالعه در این است که بسیاری از جنبه‌های عملکرد مالی بانک‌ها در برابر کسب‌وکارهای کوچک هنوز برای محققان مبهم است و داشتن مدلی جامع در این زمینه می‌تواند در این زمینه بسیار شفاف‌سازی کند. برای بانک مهمی همچون بانک ملت، ارائه مدلی برای عملکرد مالی جهت حمایت از کسب‌وکارهای کوچک و متوسط می‌تواند بیش‌ازپیش مسئولان و مدیران این بانک را نسبت به اهمیت بحث حمایت از این شرکت‌ها و همچنین کارآفرینی آگاه کرده و اقدامات جدی‌تری را در این زمینه بکار گیرند.

همچنین از نظر عملی بحث عملکرد مالی سازمان‌ها هرروز اهمیت بیشتری پیدا می‌کند و برای بانک‌ها این موضوع باید با حساسیت بیشتری دنبال شود؛ بنابراین نتایج این مطالعه می‌تواند در زمینه علمی برای محققانی که در این زمینه و زمینه‌های مربوط به حمایت از شرکت‌های کوچک و متوسط و کارآفرینی، پژوهش می‌کنند بسیار مفید بوده و ابعاد جدیدی را برای آن‌ها روشن کند. همچنین در زمینه کاربردی نتایج مطالعه می‌تواند برای سازمان‌ها و شرکت‌های مختلف و بخصوص بانک‌ها پیام شفافی داشته باشد که بتوانند برنامه‌ریزی‌های بهتری برای حمایت از کسب‌وکارهای کوچک و متوسط و همچنین کارآفرینی داشته باشند.

بنگاه‌های کوچک و متوسط یکی از اجزای حیاتی رشد در اقتصاد جهانی بوده و اهمیت آن‌ها در رشد اقتصادی کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه به خوبی شناخته شده است. بنگاه‌های کوچک و متوسط به‌طور میانگین بیش از نیمی از نیروی انسانی شاغل در اقتصاد را به کار گمارده‌اند و نیمی از کل مشاغل جدید را فراهم می‌آورند. علاوه بر این ۴۶ درصد تولید ناخالص ملی و ۵۵ درصد محصولات نوآورانه و جدید نیز توسط بنگاه‌های کوچک و متوسط ایجاد می‌شود. در هر کشوری بنگاه‌های کوچک و متوسط بیش از ۸۰٪ از جامعه تجاری را تشکیل می‌دهند (موسوی و همکاران، ۱۳۹۳). بنگاه‌های کوچک و متوسط در مقایسه با شرکت‌های بزرگ و شرکت‌های دارای ثبات عملیاتی با مسائل و مشکلات شدیدی در ارتباط با کنترل و نظارت روبه‌رو هستند. زمانی که اقتصاد در وضعیت انحصاری به سر می‌برد، مشکلات *SME*‌ها در اخذ تأمین مالی دوچندان خواهد بود (کرکه آبادی و عسگری نژاد، ۱۴۰۱). یکی از راهبردهای مؤثر در مواجهه با چالش‌های کسب‌وکار، استفاده از سرمایه‌های اقتصادی، ارتقای بهره‌وری و توانمندسازی کسب‌وکارهای کوچک است؛ از این رو، بسیاری از دولت‌ها متقاعد شده‌اند که از طریق برنامه‌ریزی‌های

صحیح و اصولی، بستر رشد را برای واحدهای کوچک و متوسط فراهم کنند و آن‌ها را تا زمان تبدیل به شرکتی مستقل و توانمند مورد حمایت قرار دهند (گلگندشتی و آقابابایی، ۱۳۹۷).

صنایع کوچک و متوسط ایران نیز از این قضیه مستثنا نبوده و در دوران فعالیت خود با چالش‌های متعدد در زمینه‌هایی چون تأمین مالی، بازاریابی، فناوری، کیفیت تولیدات، رقابت‌پذیری و بعضاً ضعیف بودن پیوندشان با صنایع بزرگ کشور دست‌به‌گریبان هستند؛ شدت این فشارها به حدی است که طبق برآوردهای به‌عمل‌آمده، معادل ۲۰ درصد بنگاه‌های جدید کوچک و متوسط که به بازار وارد می‌شوند، پس از یک سال از بازار خارج می‌شوند و ۵۰ درصد آن‌ها پس از ۵ سال مجبور به خروج می‌شوند. از جمله مهم‌ترین مشکلات این دسته از واحدهای صنعتی می‌توان به "کمبود نقدینگی (۷۱ درصد)، کمبود بازار (۱۷ درصد)، گرانی مواد اولیه (۵ درصد)، نقصان ماشین‌آلات (۲ درصد)" و برخی دیگر از موارد اشاره داشت (پیروز و شفیعی، ۱۳۹۵).

بنگاه‌های کوچک و متوسط در سراسر جهان، به‌ویژه در کشورهای درحال توسعه با چالش‌های مختلفی روبه‌رو هستند و دسترسی به منابع مالی رسمی یکی از اصلی‌ترین موانعی است که با آن روبه‌رو هستند. طبق *IFC* تحقیقات نشان می‌دهد، نزدیک به ۴۵ تا ۵۵ درصد از *SME* های رسمی در بازارهای نوظهور، علیرغم نیاز به وام‌های سازمانی یا وام‌های آزاد رسمی دسترسی ندارند (مرکز تأمین مالی اسلامی بین‌المللی مالزی، فوریه ۲۰۱۶). محدودیت مالی برای بنگاه‌های خرد و غیررسمی بیشتر است: ۵۵-۶۸ درصد از کل *SME* ها در بازارهای نوظهور دسترسی محدودی به اعتبار دارند. به‌علاوه، حدود ۵ درصد از بنگاه‌های کوچک و متوسط در کشورهای درحال توسعه از نظر مالی کمبود دارند یا از خدمات برخوردار نیستند و در نتیجه فرصت ازدست‌رفته برای تحقق کامل پتانسیل خود ندارند (گروه بانک جهانی و بانک توسعه اسلامی، ۲۰۱۵).

دسترسی به منابع مالی یک چالش جهانی است که باید به‌طور دقیق‌تری توسط نهادها و آژانس‌های مختلف مرتبط حل شود. چالش جهانی را می‌توان از طریق ارائه محصولات مالی نوآورانه و متنوع برطرف کرد. در مورد منابع مالی نوآورانه و متنوع برای *SME* ها، تأمین مالی اسلامی پتانسیل بالایی دارد. برخی از ابزارهای مختلف اقتصادی اجتماعی که در امور مالی اسلامی می‌تواند بیشتر استفاده شود شامل زکات، وقف و قرض‌الحسنه (وام خیرخواهانه) و همچنین ابزارهای مالی اقتصادی-اجتماعی طراحی شده برای حمایت مالی از فقرا و بنگاه‌های سازگار با شریعت است (مرکز مالی اسلامی بین‌المللی مالزی، ۲۰۱۶).

سهام قابل توجهی از بنگاه‌های کوچک و متوسط منحصراً به دنبال محصولات بانکی اسلامی برای تأمین نیازهای مالی خود هستند و به دلیل عدم مطابقت با قوانین شریعت، محصولات بانکی متعارف را انتخاب نمی‌کنند. مشکل تقاضا در صورت ارزیابی از طرف عرضه بیشتر می‌شود. متوسط سهم وام‌های *SME* در پرتفوی بانک‌های تنها ۷/۶ درصد است، زیرا فعالیت‌های اعطای وام بیشتر به مشتریان بزرگ بنگاه‌های بزرگ و اوراق قرضه دولتی معطوف شده است (گروه بانک جهانی و بانک توسعه اسلامی، ۲۰۱۵).

گرایش کارآفرینانه رویه‌ای است که راه‌های نوینی را برای گسترش تجاری‌سازی محصولات، حرکت نمودن به سمت بازارهای تازه و ارائه نمودن خدمات جدید به مشتریان خلق می‌نماید. داشتن گرایش کارآفرینانه شرکت‌ها را از طریق مواجهه با تحولات

نوبن در زمینه چالش‌های بازار، هوشیار نگه‌داشته و به آن‌ها در ارزیابی امکانات جدید کمک شایانی می‌کند (مبینی و همکاران، ۱۳۹۵). دانش و گرایش کارآفرینانه جهت موفقیت در عرصه بین‌الملل امری حیاتی است. معمولاً یک شرکت کارآفرین در عرصه بین‌الملل، قابلیت رشد بیشتری نسبت به یک شرکت جاافتاده دارد (مالکی<sup>۱</sup>، ۲۰۱۸).

عوامل متعددی بر فعالیت شرکت‌های کارآفرین در بازارهای بین‌المللی تأثیرگذار هستند که در این میان نقش فرهنگ کارآفرینانه بسیار برجسته است. نقش فرهنگ کارآفرینانه به‌ویژه در تدوین استراتژی‌های ورود به بازارهای بین‌المللی قابل‌لمس است. در واقع این فرهنگ کسب‌وکار است که موفقیت یا شکست فعالیت‌های بین‌المللی را رقم می‌زند (کانیلی و جیانینی<sup>۲</sup>، ۲۰۱۹).

کارآفرینی و رشد اقتصادی از شاخص‌های مستقیم سنجش توسعه اقتصادی هر کشور محسوب می‌شود و کارآفرینی از طریق ایجاد نوآوری، خلاقیت و افزایش رقابت به رشد اقتصادی کمک می‌کند (دیمای و همکاران<sup>۳</sup>، ۲۰۱۶). به بیان دیگر، کارآفرینان می‌توانند با سرمایه‌گذاری در اقتصاد داخلی، به رشد اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جامعه خود منجر شوند. در کشورهای توسعه‌یافته سهم چشمگیری از میزان رشد اقتصادی، به کارآفرینانی اختصاص دارد که برای ایجاد ارزش سرمایه‌گذاری می‌کنند و این عامل در کشورهای در حال توسعه کمتر دیده می‌شود (آلینا و همکاران<sup>۴</sup>، ۲۰۲۱).

## روش شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر روش، یک پژوهش آمیخته (کیفی-کمی) می‌باشد. همچنین از آنجاکه این تحقیق در صدد طراحی مدل می‌باشد، اکتشافی است. رویکرد بخش کیفی گراند تئوری یا تئوری داده بنیاد بود که با مصاحبه با خبرگان و انجام سه نوع کدگذاری باز، محوری و انتخابی انجام شد. برای سطح‌بندی و رتبه‌بندی عوامل و تعیین نوع متغیرها و همچنین بررسی روابط بین متغیرهای مدل، تعیین شدت روابط و شناسایی تأثیرگذاری و تأثیرپذیری معیارها از روش ترکیبی *ISM-DEMATEL* استفاده شد.

بخش کیفی پژوهش شامل مصاحبه با خبرگان بوده است، بنابراین جامعه آماری موردنظر را خبرگان آشنا به موضوع پژوهش (اساتید دانشگاه در حوزه بانکداری و کارآفرینی و مدیران ارشد بانک ملت) تشکیل می‌دادند. در این بخش، نمونه‌گیری به صورت نظری انجام شد. اگرچه قاعده خاصی برای حجم نمونه در راهبرد کیفی وجود ندارد ولی برای گروه‌های همگن ۶ تا ۸ واحد و برای گروه‌های ناهمگن ۱۲ تا ۲۰ واحد پیشنهاد شده است. مصاحبه‌ها نیز تا اطمینان از اشباع نظری ادامه پیدا کرد. در این مطالعه با ۱۲ نفر از صاحب‌نظران (اساتید دانشگاه در حوزه بانکداری و کارآفرینی و مدیران ارشد بانک ملت) حالت اشباع حاصل شد. نمونه‌گیری در چهارچوب منطق روش کیفی و به صورت هدفمند انجام شد. در نمونه‌گیری از دو روش نمونه‌گیری هدفمند

<sup>۱</sup> - Mainela, et al.

<sup>۲</sup> - Cainelli, G., & Giannini, V.

<sup>۳</sup> - Dima, et al.

<sup>۴</sup> - Alina, et al.

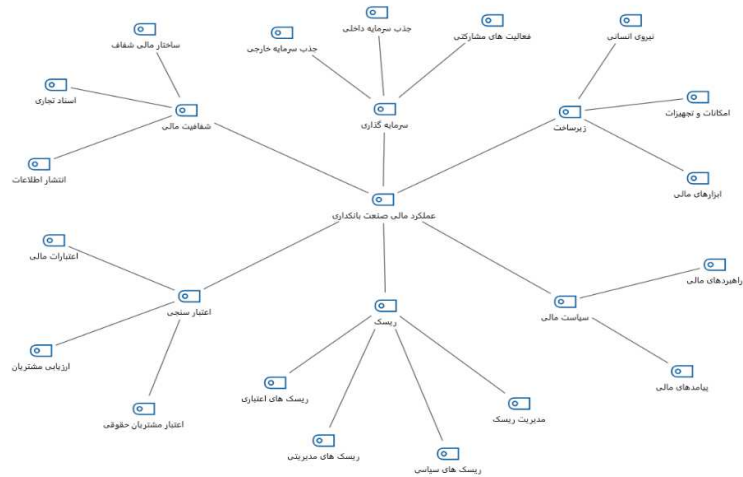
و گلوله برفی استفاده گردید. انتخاب شرکت‌کننده‌ها بر اساس روش نمونه‌گیری هدفمند از مدیران ارشد و صاحب‌نظران حوزه مورد مطالعه در دانشگاه و صنعت که مایل به مصاحبه نیز بودند، انجام شد. با در نظر گرفتن اطلاعات گفته‌شده و با استفاده از نظرات استاد راهنما و استاد مشاور، مصاحبه‌ای در قالب ۷ سؤال اصلی باز تهیه شد. برای سطح‌بندی و رتبه‌بندی عوامل و تعیین نوع متغیرها و همچنین بررسی روابط بین متغیرهای مدل، تعیین شدت روابط و شناسایی تأثیرگذاری و تأثیرپذیری معیارها از روش ترکیبی *ISM-DEMATEL* استفاده شد.

در بخش کمی بعد از جمع‌آوری اطلاعات، داده‌ها با نرم‌افزار *SPSS* و *Smart PLS* مورد آنالیز قرار گرفت. در این بخش از روش‌های حداقل مربعات جزئی و تحلیل عاملی استفاده شد. در این بخش تنظیم پرسشنامه با استفاده از طیف ۵ درجه‌ای لیکرت انجام پذیرفت. در بخش کمی برای بررسی و سنجش روایی، از نظر استاد راهنما و مشاور و تأیید آن‌ها و همچنین بررسی روایی سازه (روایی همگرا، روایی واگرا) استفاده شد و برای سنجش پایایی از روش محاسبه آلفای کرونباخ و پایایی مرکب استفاده شد.

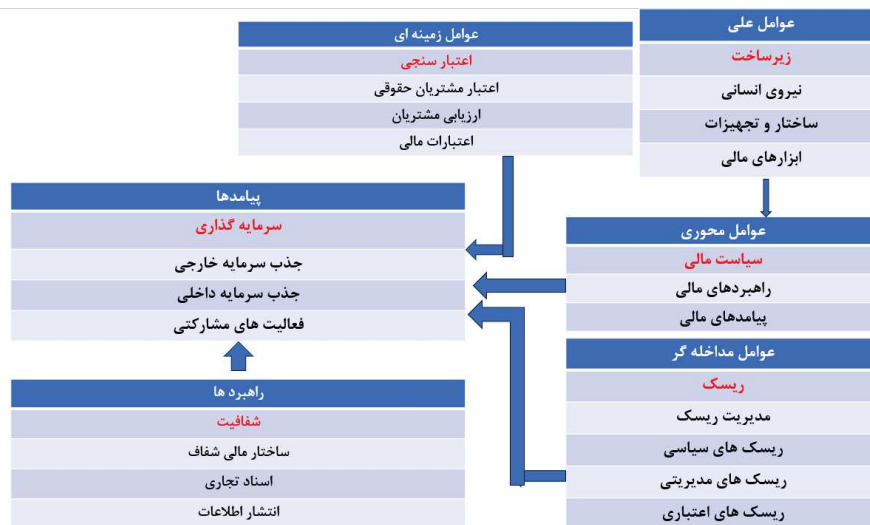
### یافته‌های پژوهش

به منظور مدل‌سازی سطح تأثیرات موانع شناسایی و تأییدشده بر هدف پژوهش نیز رویکرد مدل‌سازی ساختاری تفسیری مورد استفاده قرار گرفت. همچنین شدت تأثیرات کلی مابین عوامل شناسایی و تأییدشده نیز با استفاده از روش دیماتل فازی شناسایی گردید. بر مبنای یافته‌ها مشاهده می‌شود که ۱۴۲ کدباز بر اساس مصاحبه‌های انجام‌شده با خبرگان شناسایی گردید و وارد مرحله کدگذاری مقوله‌ای گردید. همچنین با توجه به یافته‌ها مشاهده می‌شود که برای ۱۴۲ کدباز شناسایی شده ۱۸ مقوله شناسایی گردید که وارد مرحله کدگذاری محوری گردیدند.

با توجه به یافته‌های تحقیق مشاهده می‌شود که عملکرد مالی بانک ملت دارای ۱۴۲ کدباز، ۱۸ کد مقوله‌ای و ۶ کد محوری نهایی می‌باشد که در ادامه در شکل (۱) ارائه شده است.



شکل شماره ۱- مدل نهایی شناسایی شده عملکرد مالی صنعت بانکداری برای حمایت از کسب کارهای کوچک و متوسط (SMEs) با تأکید بر کارآفرینی در بانک ملت



شکل شماره ۲- مدل پارادایمی عملکرد مالی صنعت بانکداری برای حمایت از کسب کارهای کوچک و متوسط (SMEs) با تأکید بر کارآفرینی در بانک ملت



عوامل نهایی شناسایی شده عملکرد مالی صنعت بانکداری برای حمایت از کسب کارهای کوچک و متوسط (SMES) با تأکید بر کارآفرینی در بانک ملت پس از مرحله گردنند تئوری و تحلیل داده‌ها در نهایت ۶ عامل به‌عنوان عوامل نهایی عملکرد مالی صنعت بانکداری برای حمایت از کسب کارهای کوچک و متوسط (SMES) با تأکید بر کارآفرینی در بانک ملت به‌عنوان مؤلفه‌های اصلی تحقیق شناسایی شدند و به این مرحله از تحقیق وارد شدند.

تعیین شدت و قدرت تأثیرات مستقیم موانع بر یکدیگر. این قدرت تأثیرات از طریق مقایسات زوجی میان دوجه‌دوی موانع صورت می‌گیرد. فرایند تعیین شدت تأثیر توسط نظرات و قضاوت‌های ذهنی خبرگان و مبتنی بر مقیاس‌های زبانی فازی معرفی شده می‌باشد. در این زمینه پرسشنامه مربوطه در اختیار افراد خبره قرار گرفت تا مبتنی بر مقادیر ۵ گانه موجود، یکی از آن‌ها به‌عنوان شدت تأثیر میان اجزاء مدل انتخاب شود. هدف از این بخش گردآوری نظرات خبرگان در زمینه شدت تأثیر عوامل بر یکدیگر، جمع‌بندی این نظرات و نهایتاً دستیابی به ماتریس فازی قضاوت خبرگان می‌باشد. پس از گردآوری نظرات خبرگان، این نظرات (ماتریس‌های فازی) با استفاده از فرمول میانگین هندسی فازی تجمع و تحت قالب یک ماتریس قضاوت مورد استفاده قرار می‌گیرند.

جهت فازی سازی مؤلفه‌های شناسایی شده به تفکیک درایه‌های موجود، بر اساس فرمول فازی سازی برای مؤلفه‌های تحقیق محاسبه گردید.

جدول شماره ۱- فازی سازی شاخص اول برای مؤلفه‌های تحقیق

	شفافیت مالی Financial transparency	سرمایه گذاری Investment	زیرساخت Infrastructure	سیاست مالی Financial policy	ریسک Risk	اعتبارسنجی Validation
شفافیت مالی Financial transparency	۲۱.۰	۲۷.۰	۳۴.۰	۲۷.۰	۳۶.۰	۳۴.۰
سرمایه گذاری Investment	۳۱.۰	۱۸.۰	۲۸.۰	۲۷.۰	۳۰.۰	۳۱.۰
زیرساخت Infrastructure	۳۸.۰	۲۸.۰	۱۹.۰	۲۷.۰	۲۹.۰	۲۵.۰
سیاست مالی Financial policy	۲۵.۰	۳۱.۰	۳۰.۰	۱۵.۰	۲۶.۰	۳۲.۰
ریسک Risk	۲۶.۰	۲۶.۰	۲۷.۰	۲۰.۰	۱۷.۰	۳۲.۰
اعتبارسنجی Validation	۳۵.۰	۳۳.۰	۳۴.۰	۲۶.۰	۳۵.۰	۲۲.۰

ماخذ: یافته‌های تحقیق

جدول شماره ۲- فازی سازی شاخص دوم برای مؤلفه‌های تحقیق

	شفافیت مالی Financial transparency	سرمایه‌گذاری Investment	زیرساخت Infrastructure	سیاست مالی Financial policy	ریسک Risk	اعتبار سنجی Validation
شفافیت مالی Financial transparency	۵۶.۰	۶۴.۰	۷۰.۰	۶۰.۰	۷۲.۰	۷۱.۰
سرمایه‌گذاری Investment	۶۵.۰	۴۸.۰	۶۰.۰	۵۸.۰	۶۲.۰	۶۵.۰
زیرساخت Infrastructure	۷۳.۰	۶۱.۰	۵۱.۰	۵۹.۰	۶۴.۰	۵۹.۰
سیاست مالی Financial policy	۶۰.۰	۶۴.۰	۶۴.۰	۴۳.۰	۶۰.۰	۶۶.۰
ریسک Risk	۶۰.۰	۵۸.۰	۶۰.۰	۵۰.۰	۴۸.۰	۶۵.۰
اعتبار سنجی Validation	۷۳.۰	۷۰.۰	۷۱.۰	۶۰.۰	۷۲.۰	۵۷.۰

ماخذ: یافته‌های تحقیق

جدول شماره ۳- فازی سازی شاخص سوم برای مؤلفه‌های تحقیق

	شفافیت مالی Financial transparency	سرمایه‌گذاری Investment	زیرساخت Infrastructure	سیاست مالی Financial policy	ریسک Risk	اعتبار سنجی Validation
شفافیت مالی Financial transparency	۰۶.۲	۱۲.۲	۲۱.۲	۲	۲۱.۲	۱۸.۲
سرمایه‌گذاری Investment	۰۳.۲	۸۰.۱	۹۷.۱	۸۴.۱	۹.۱	۹۸.۱
زیرساخت Infrastructure	۱۱.۲	۹۸.۱	۸۸.۱	۸۷.۱	۰۱.۲	۹۵.۱
سیاست مالی Financial policy	۰۲.۲	۰۱.۲	۰۴.۲	۷۱.۱	۲	۰۲.۲

Risk ریسک	۹۹.۱	۹۳.۱	۹۷.۱	۷۸.۱	۱۸.۱	۹۹.۱
اعتبارسنجی Validation	۲۵.۲	۱۸.۱	۲۲.۲	۲	۲۲.۲	۰۳.۲

ماخذ: یافته‌های تحقیق

در ادامه با استفاده از دی فازی سازی نظرات خبرگان، ماتریس نرمال شده از حالت فازی خارج شده و درایه‌های تحقیق با فرمول دی فازی سازی از حال فازی خارج می‌شوند.

جدول شماره ۴- ماتریس دی فازی شده نظرات خبرگان

	شفافیت مالی Financial transparency	سرمایه‌گذاری Investment	زیرساخت Infrastructure	سیاست مالی Financial policy	ریسک Risk	اعتبارسنجی Validation
شفافیت مالی Financial transparency	۸۵.۰	۹۰.۰	۹۷.۰	۸۸.۰	۱	۹۹.۰
سرمایه‌گذاری Investment	۹۱.۰	۹۰.۰	۹۷.۰	۸۲.۰	۸۸.۰	۹۰.۰
زیرساخت Infrastructure	۹۹.۰	۷۷.۰	۷۹.۰	۸۱.۰	۸۹.۰	۸۵.۰
سیاست مالی Financial policy	۸۷.۰	۹۰.۰	۹۰.۰	۷۲.۰	۸۷.۰	۹۲.۰
ریسک Risk	۸۶.۰	۸۴.۰	۸۶.۰	۷۶.۰	۷۳.۰	۹۱.۰
اعتبارسنجی Validation	۰۲.۱	۹۸.۰	۱	۸۸.۰	۱	۸۴.۰

ماخذ: یافته‌های تحقیق

محاسبه حد آستانه و تشکیل ماتریس وقوع. پس از دیفازی نمودن تمامی اعداد فازی موجود در ماتریس نرمال تجمیع نظرات و به دست آوردن ماتریس دی‌فازی شده، یک حد آستانه از طریق میانگین حسابی از تمامی عناصر و درایه‌های موجود در ماتریس به دست می‌آید. مبتنی بر محاسبات، میانگین حسابی مجموعه درایه‌های ماتریس فوق برابر با ۰/۸۹۱۷ می‌باشد. به‌منظور تشکیل ماتریس وقوع، تک‌تک درایه‌های موجود در ماتریس قضاوت دیفازی شده را با میزان حد آستانه مشخص شده مقایسه می‌نماییم. در صورتی که درایه موردنظر بزرگ‌تر یا مساوی این حد آستانه باشد در درایه نظیر در ماتریس وقوع عدد ۱ و در غیر این صورت عدد صفر قرار می‌گیرد. مبتنی بر این رویکرد، ماتریس وقوع روش مدل‌سازی ساختاری تفسیری ماتریسی باینری (صفر و یک) می‌باشد. این ماتریس دروازه ورود به بخش نهایی و تشکیل ماتریس دسترس‌پذیری می‌باشد.

جدول شماره ۵- ماتریس وقوع

	شفافیت مالی Financial transparency	سرمایه‌گذاری Investment	زیرساخت Infrastructure	سیاست مالی Financial policy	ریسک Risk	اعتبار سنجی Validation
شفافیت مالی Financial transparency	۰	۱	۱	۰	۱	۱
سرمایه‌گذاری Investment	۱	۱	۱	۰	۰	۱
زیرساخت Infrastructure	۱	۰	۰	۰	۱	۰
سیاست مالی Financial policy	۰	۱	۱	۰	۰	۱
ریسک Risk	۰	۰	۰	۰	۰	۱
اعتبار سنجی Validation	۱	۱	۱	۰	۱	۰

ماخذ: یافته‌های تحقیق

پس از تشکیل ماتریس وقوع، به منظور ساخت مدل ساختاری تفسیری می‌بایست مبتنی بر این ماتریس دسترسی پذیری اولیه شکل گیرد. ماتریس دسترس پذیری اولیه برابر است با جمع ماتریسی ماتریس وقوع و ماتریس همانی. به بیان دیگر، ماتریس دسترس پذیری اولیه همان ماتریس وقوع است با عناصر روی قطر اصلی یک. بدین ترتیب ماتریس دسترس پذیری اولیه شکل می‌گیرد (جدول ۶).

جدول شماره ۶- ماتریس دسترسی اولیه

	شفافیت مالی Financial transparency	سرمایه‌گذاری Investment	زیرساخت Infrastructure	سیاست مالی Financial policy	ریسک Risk	اعتبار سنجی Validation
شفافیت مالی Financial transparency	۱	۱	۱	۰	۱	۱
سرمایه‌گذاری Investment	۱	۱	۱	۰	۰	۱
زیرساخت Infrastructure	۱	۰	۱	۰	۱	۰
سیاست مالی Financial policy	۰	۱	۱	۱	۰	۱
ریسک Risk	۰	۰	۰	۰	۱	۱
اعتبار سنجی Validation	۱	۱	۱	۰	۱	۱

ماخذ: یافته‌های تحقیق

تشکیل مجموعه ورودی، خروجی، مشترک و سطح‌بندی؛ در این مرحله با استفاده از ماتریس دسترس‌پذیری نهایی، مجموعه ورودی، خروجی و مشترک به دست می‌آید. مجموعه ورودی برای هر عامل، ستون آن عامل و مجموعه خروجی برای هر عامل سطر آن عامل می‌باشد. به بیان دیگر، مجموعه عوامل اثرپذیر از عامل مجموعه خروجی و مجموعه عوامل اثرگذار بر عامل مجموعه ورودی را شکل می‌دهند (جدول ۷).

جدول شماره ۷- سطح‌بندی مؤلفه‌های شناسایی‌شده در تحقیق

ردیف row	عوامل factors	ورودی input	خروجی Output	مشترک Joint	سطح level
۱	شفافیت مالی	۶,۳,۲,۱	۶,۵,۳,۲,۱	۶,۳,۲,۱	دوم Second
۲	سرمایه‌گذاری	۶,۴,۲,۱	۶,۳,۲,۱	۶,۲,۱	دوم Second
۳	زیرساخت	۶,۴,۳,۲,۱	۵,۳,۱	۳,۱	سوم Third
۴	سیاست مالی	۴	۶,۴,۳,۲	۴	پنجم Fifth
۵	ریسک	۶,۵,۳,۱	۶,۵	۶,۵	اول First
۶	اعتبار سنجی	۶,۵,۴,۲,۱	۶,۵,۳,۲,۱	۶,۵,۲,۱	چهارم Fourth

ماخذ: یافته‌های تحقیق

بر اساس یافته‌های تحقیق مشاهده می‌شود که سطح اول شامل مدیریت ریسک، سطح دوم شامل سرمایه‌گذاری و شفافیت مالی، سطح سوم شامل زیرساخت، سطح چهارم شامل اعتبار سنجی و سطح پنجم شامل سیاست‌های مالی می‌باشد. پس از انجام محاسبات مربوط به مدل‌سازی ساختاری تفسیری فازی و دستیابی به ماتریس دسترسی نهایی و مدل سطح‌بندی شده موانع در زمینه سطح اثرگذاری این موانع و اثرات مستقیم و غیرمستقیم موجود مابین آن‌ها، گام بعد به عنوان گامی تکمیلی برای مدل‌سازی ساختاری تفسیری، به دنبال دسته‌بندی عوامل در قالب میزان اثرگذاری و اثرپذیری درونی آن‌ها بر یکدیگر می‌باشد. هدف از این تحلیل ترسیم نمودار قدرت نفوذ - وابستگی موانع، از روی ماتریس دسترس‌پذیری نهایی و تجزیه و تحلیل آن می‌باشد. در این مرحله عوامل در چهار گروه طبقه‌بندی می‌شوند: عوامل خودمختار، پیوندی، وابسته و نفوذی. عوامل در قالب این چهار دسته با توجه به سطح اثرگذاری و اثرپذیری آن‌ها طبقه‌بندی شده و بدین ترتیب می‌توان دید جام‌عتری در زمینه اثرات مستقیم و غیرمستقیم درونی این عوامل به دست آورد. بدین منظور در این تحلیل از ماتریس دسترس‌پذیری نهایی که شامل اثرات مستقیم و غیرمستقیم موانع بر یکدیگر می‌باشد استفاده شده است (جدول ۸).

جدول شماره ۸- ماتریس نفوذ و وابستگی

	شفافیت مالی Financial transparency	سرمایه‌گذاری Investment	زیرساخت Infrastructure	سیاست مالی Financial policy	ریسک Risk	اعتبار سنجی Validation	نفوذ influence
شفافیت مالی Financial transparency	۱	۱	۱	۰	۱	۱	۵
سرمایه‌گذاری Investment	۱	۱	۱	۰	۰	۱	۴
زیرساخت Infrastructure	۱	۰	۱	۰	۱	۰	۳
سیاست مالی Financial policy	۰	۱	۱	۱	۰	۱	۴
ریسک Risk	۰	۰	۰	۰	۱	۱	۲
اعتبار سنجی Validation	۱	۱	۱	۰	۱	۱	۵
وابستگی dependency	۴	۴	۵	۱	۴	۵	

ماخذ: یافته‌های تحقیق

در ادامه عوامل بر اساس قدرت نفوذ و قدرت وابستگی خود می‌توانند در چهار دسته خودمختار، وابسته، پیوندی و نفوذی قرار بگیرند. بر اساس نتایج تجزیه و تحلیل میک مک می‌توان عوامل را به چهار دسته تقسیم نمود که این تقسیم‌بندی در ادامه در جدول (۹) ارائه شده است.

جدول شماره ۹- دسته‌بندی عوامل بر اساس تحلیل میک مک

عوامل Factors	خودمختار Autonomous	نفوذی Influential	وابسته Dependent	پیوندی Associative
شفافیت مالی Financial transparency				*
سرمایه‌گذاری Investment				*
زیرساخت Infrastructure			*	
سیاست مالی Financial policy		*		
ریسک Risk			*	
اعتبار سنجی Validation				*

ماخذ: یافته‌های تحقیق

بر اساس یافته‌ها مشاهده می‌شود که عوامل شفافیت مالی، سرمایه‌گذاری و اعتبارسنجی از عوامل پیوندی، عوامل زیرساخت و ریسک از عوامل وابسته و سیاست‌های مالی از عوامل نفوذی می‌باشند. در ادامه ابتدا ابزار تحقیق که بر مبنای ۳۶ مؤلفه تحقیق تهیه گردیده مورد بررسی قرار گرفت و به روش تحلیل عاملی تأییدی ارزیابی شد.

#### جدول شماره ۱۰- نتایج آزمون KMO و آزمون بارتلت

سطح معنی‌داری Significant level	مجذور کای آزمون بارتلت Bartlett's chi-square test	اندازه KMO KMO size
۰.۰۰۰۱	۰.۹۶۱	۰.۹۱۱

ماخذ: یافته‌های تحقیق

چنانچه در جدول شاخص‌های معنی‌داری داده‌ها را نشان می‌دهد، مقدار شاخص *KMO* برای ابزارهای پژوهش به یک نزدیک می‌باشد. همچنین با توجه به مقدار آماره بارتلت (که تقریبی از آماره کای دو است) و مقدار ضریب معناداری که از ۵٪ کوچک‌تر بوده است، نشان می‌دهد که تحلیل عاملی برای شناسایی ساختار پرسشنامه‌ها مناسب بوده و تعداد نمونه انتخاب شده برای تحلیل عاملی ابزار دارای کفایت می‌باشد.

#### جدول شماره ۱۱- بررسی پایایی و روایی همگرا

نام متغیر Variable name	آلفای کرونباخ Cronbach's alpha	پایایی ترکیبی Composite reliability	AVE
سرمایه‌گذاری Investment	۰.۸۲۱	۰.۹۱۲	۰.۷۶۴
زیرساخت Infrastructure	۰.۸۱۶	۰.۹۱۳	۰.۷۲۰
سیاست‌های مالی Financial policies	۰.۸۱۰	۰.۸۸۸	۰.۷۱۴
شفافیت Transparency	۰.۷۹۹	۰.۸۱۳	۰.۷۲۱
اعتبارسنجی Validation	۰.۸۴۱	۰.۹۰۰	۰.۷۵۶
ریسک Risk	۰.۸۱۶	۰.۹۱۶	۰.۷۶۳

ماخذ: یافته‌های تحقیق

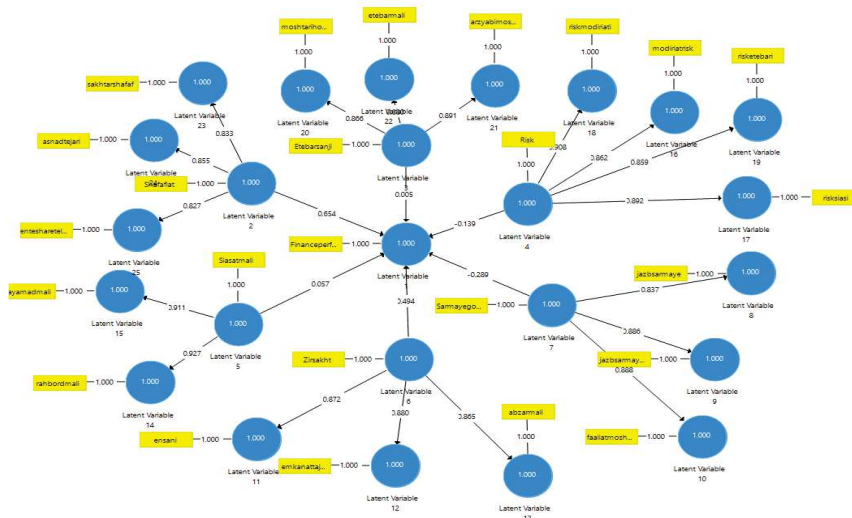
در جدول (۱۱) با توجه به اینکه مقدار مناسب برای آلفای کرونباخ ۰/۷، برای پایایی ترکیبی ۰/۷ و برای *AVE* ۰/۵ می‌باشد و تمامی معیارها در قسمت سنجش بارهای عاملی مقدار مناسبی دارند، می‌توان مناسب بودن وضعیت پایایی و روایی همگرای تحقیق را تأیید ساخت.

جدول شماره ۱۲- بررسی روایی واگرایی مؤلفه‌های اصلی پژوهش به روش فورنل و لاکر

Variable name نام متغیر	۱	۲	۳	۴	۵	۶
Investment سرمایه‌گذاری	۰.۸۳۶					
Infrastructure زیرساخت	۰.۷۸۲	۰.۸۵۲				
Financial policies سیاست‌های مالی	۰.۷۵۵	۰.۷۵۱	۰.۸۳۶			
Transparency شفافیت	۰.۷۲۲	۰.۷۷۳	۰.۷۱۸	۰.۸۵۲		
Validation اعتبارسنجی	۰.۶۶۴	۰.۶۴۷	۰.۷۵۲	۰.۷۲۲	۰.۸۱۲	
Risk ریسک	۰.۷۱۹	۰.۷۳۲	۰.۷۱۴	۰.۶۸۵	۰.۷۸۵	۰.۷۹۴

ماخذ: یافته‌های تحقیق

همان‌گونه که در جدول (۱۲) نشان داده شده است مقادیر روی قطر اصلی از مقادیر سطر زیرین خود بیشتر است؛ بنابراین روایی واگرایی تحقیق را به روش فورنل و لاکر تأیید می‌کنیم.



شکل شماره ۳- مدل در حالت معناداری

نتایج جدول (۱۳) نشان می‌دهد که متغیرهای مستقل از قدرت پیش‌بینی قوی برخوردار می‌باشند؛ بنابراین مدل پیش‌بینی قوی دارد.



جدول شماره ۱۳- مقدار ضریب تعیین و شاخص تناسب پیشنهاد

Q <sup>۲</sup>	R <sup>۲</sup>	سرمایه‌گذاری
۰.۲۱۶	۰.۴۰۲	زیرساخت Infrastructure
۰.۲۳۰	۰.۴۱۶	سیاست‌های مالی Financial policies
۰.۲۲۰	۰.۴۵۱	شفافیت Transparency
۰.۲۰۴	۰.۴۱۰	اعتبارسنجی Validation
۰.۱۳۴	۰.۳۹۵	ریسک Risk
۰.۱۲۵	۰.۴۱۱	سرمایه‌گذاری Investment

ماخذ: یافته‌های تحقیق

در این پژوهش مقدار  $GOF$  برابر است با:

$$GOF = \sqrt{\text{average (AVE)} \times \text{average (R}^2\text{)}} = ۰/۴۱۶$$

شاخص  $GOF$  پژوهش ۰/۴۱۶ به دست آمد که نشان‌دهنده قوی بودن برازش مدل ساختاری می‌باشد.

### نتیجه‌گیری و پیشنهاد

هدف از این پژوهش، طراحی مدل عملکرد مالی صنعت بانکداری برای حمایت از کسب کارهای کوچک و متوسط ( $SMEs$ ) با تأکید بر کارآفرینی در بانک ملت بود. نتایج نشان داد که مقوله‌های اصلی مدل شامل اعتبارسنجی، زیرساخت، سیاست مالی، سرمایه‌گذاری، ریسک و شفافیت می‌باشد. این نتایج موافق با یافته‌های شبابی (۱۴۰۱)، تمیزی فر و همکاران (۱۴۰۱)، محمودی و همکاران (۱۴۰۱)، لی و ایکرام<sup>۱</sup> (۲۰۲۲) و شیوتی و همکاران<sup>۲</sup> (۲۰۲۱) بوده است. اعتبارسنجی بانک‌ها برای حمایت از کسب و کارهای کوچک نقش بسیار مهمی جهت جلوگیری از ریسک نکول می‌باشد. مؤسسه‌های مالی، از قبیل بانک‌ها، در اعتبارسنجی این نوع کسب و کارها به منظور تخصیص اعتبار، مشکلات مختلفی دارند. بانک‌ها و مؤسسه‌های مالی برای شناسایی گیرنده تسهیلات و تعیین ارزش وثیقه لازم، از مدل‌های مختلف امتیازدهی اعتباری استفاده می‌کنند.  $SMEs$ ها از نظر مدیریت داده‌های مالی در مقایسه با شرکت‌های بزرگ، سازمان‌دهی نشده تلقی می‌شوند؛ از این رو ارزیابی ریسک اعتباری فقط بر اساس داده‌های مالی، نگرانی‌های متعددی در خصوص نحوه بازپرداخت تسهیلات توسط کسب و کارهای کوچک و متوسط ایجاد می‌کند (مالایی و منکاو، ۱۴۰۰).

بر اساس یافته‌های تحقیق مشاهده می‌شود که سطح اول شامل مدیریت ریسک، سطح دوم شامل سرمایه‌گذاری و شفافیت مالی، سطح سوم شامل زیرساخت، سطح چهارم شامل اعتبارسنجی و سطح پنجم شامل سیاست‌های مالی می‌باشد. بر اساس یافته‌ها مشاهده می‌شود که عوامل شفافیت مالی، سرمایه‌گذاری و اعتبارسنجی از عوامل پیوندی، عوامل زیرساخت و ریسک از

<sup>۱</sup> - Le & Ikram

<sup>۲</sup> - Shiyuti et al.

عوامل وابسته و سیاست‌های مالی از عوامل نفوذی می‌باشند. همین نتایج توسط مران جوری و همکاران (۱۴۰۱)، کریمی و همکاران (۱۴۰۱)، ستایش و همکاران (۱۴۰۱)، پرومونی و همکاران<sup>۱</sup> (۲۰۲۱) و روی و شای<sup>۲</sup> (۲۰۲۱) گزارش شد. مدیریت ریسک در سطح اول متغیرها قرار دارد. ارزیابی و سنجش ریسک اعتباری سید وام‌های بانک با در نظر گرفتن اثرات متنوع سازی و ارتباط میان موقعیت‌های مختلف موجود در سید وام و اداره‌ی سید اعتبارات بر این اساس، "مدیریت سید اعتباری" نام دارد. بانک‌های موفق در سطح جهان، سیستم‌های اعتبارسنجی و مدیریت سید اعتباری متناسب خود را توسعه می‌دهند. چنین سیستم‌هایی مدیران بانک را در جهت اتخاذ هرچه بهتر تصمیمات اعتباری یاری می‌دهد؛ تصمیماتی که بر پایه‌ی ارزیابی‌های کیفی و کمی وام‌های انفرادی و سید اعتباری بانک قرار دارد. باوجودآنکه صنایع کوچک و متوسط برای شروع به کار و فعالیت، نیازمند سرمایه کمتری در مقایسه با شرکت‌های بزرگ هستند، اما به دلایلی از جمله مقیاس کوچک فعالیت، سابقه کم، نداشتن اعتبار کافی، عدم برخورداری از صورت‌های مالی حسابرسی شده و عدم شفافیت مالی، عدم دسترسی به وثیقه کافی با مشکلات زیادی در تأمین مالی مواجه‌اند. یکی از دلایل اصلی عدم تمایل بانک‌ها به اعطای تسهیلات به صنایع کوچک و متوسط، ناتوانی این واحدها در بازپرداخت اقساط تسهیلات عنوان می‌شود که در همین راستا بر اساس بررسی‌های انجام‌شده توسط بانک مرکزی، علت بالا بودن مطالبات غیر جاری بنگاه‌های کوچک زودبازده و کارآفرین در ایران، انحراف بالای تسهیلات اعطایی به این بنگاه‌ها و عدم نظارت کافی گزارش شده است.

شرکت‌های کوچک و متوسط به‌عنوان گردانندگان اصلی چرخ‌های اقتصادی در تقریباً تمامی کشورها محسوب گردیده و اهمیت و نقش کلیدی این شرکت‌ها در زمینه بهبود شاخص‌هایی چون تولید ناخالص داخلی و کاستن از فقر و بهبود آمار اشتغال ملی بر کسی پوشیده نمی‌باشد؛ اما این بنگاه‌های اقتصادی به دلیل ماهیت و ویژگی‌های خاص خود دارای محدودیت‌هایی در زمینه‌های گوناگونی چون منابع انسانی، منابع مالی، ارتباطات برون‌سازمانی و این‌گونه موارد می‌باشند که منجر به ورود بازیگران دولتی و غیردولتی در راستای حمایت از آن‌ها و در جهت بهبود عملکردهای مالی و غیرمالی این شرکت‌ها گردیده است. این بازیگران عمدتاً متشکل از بانک‌ها، دولت و مجلس بوده و مبتنی بر اقدامات مستقیم و غیرمستقیم قادر به اثرگذاری بر عملکردهای این بنگاه‌ها می‌باشند (کریمی و همکاران، ۱۴۰۱).

علیرغم اهمیت بالای موضوع حمایت از بنگاه‌های کوچک و متوسط، به دلیل پراکندگی مطالعات داخلی و خارجی در حیطه اقدامات حمایتی از این کسب‌وکارها و تنوع بالای روش‌ها و کانال‌های اقدام و عمل در قبال بهبود عملکردهای شرکت‌های کوچک و متوسط، نیاز است تا این اقدامات پراکنده در مطالعات تجمیع و تحت یک قالب منظم ارائه گردد تا دقیقاً معین شود که در ایران و جهان مبتنی بر چه رویکردها و به چه طرقی از شرکت‌های کوچک و متوسط حمایت به‌عمل آمده و چگونه می‌توان

<sup>۱</sup> - Promono et al.

<sup>۲</sup> - Roy & Shaw

رویکردهای مورداستفاده را توسعه بخشید و با رویکردهای مورداستفاده در سایر کشورها را در ایران پیاده‌سازی نمود (کریمی و همکاران، ۱۴۰۱).

نظر به اینکه نتایج نشان داد که سطح اول شامل مدیریت ریسک، سطح دوم شامل سرمایه‌گذاری و شفافیت مالی، سطح سوم شامل زیرساخت، سطح چهارم شامل اعتبار سنجی و سطح پنجم شامل سیاست‌های مالی می‌باشد. بر اساس یافته‌ها مشاهده می‌شود که عوامل شفافیت مالی، سرمایه‌گذاری و اعتبار سنجی از عوامل پیوندی، عوامل زیرساخت و ریسک از عوامل وابسته و سیاست‌های مالی از عوامل نفوذی می‌باشند، پیشنهاد می‌گردد که بانک‌ها در درجه اول مدیریت ریسک را در نظر بگیرند و برای سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف صنعت از بررسی شفافیت مالی غافل نشوند، زیرساخت‌های بنگاه‌ها را بررسی و به اعتبارسنجی دقیق آن‌ها با مؤلفه‌ها و فاکتورهای موجود بپردازند.

یکی از محدودیت‌های پژوهش ممکن نبودن وارد شدن متغیرهای مداخله‌گر مهم دیگر به تحقیق به علت پیچیدگی‌های زیاد آن‌ها می‌باشد.

## منابع و مأخذ

آزاده، سهیلا؛ اصلی‌زاده، احمد؛ خاکزار بفرئی، مرتضی؛ اعتمادی، احمدرضا. (۱۴۰۱). توسعه مدل پویای استراتژی بانک در شرایط عدم قطعیت با رویکرد پویایی‌شناسی سیستم (SD)، فصلنامه راهبرد مدیریت مالی دانشگاه الزهراء سال یازدهم، شماره چهل و یکم، صفحات ۲۲۶-۲۰۳.

پیروز، الهام و افسانه شفیعی (۱۳۹۵)، ارتقای جایگاه بنگاه‌های کوچک و متوسط در زنجیره‌های ارزش جهانی: درس‌هایی برای ایران، تحولات جهانی صنعت، معدن و تجارت، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، شماره ۳۹.

تمیزی فر، مهدی، توحیدی، محمد و شکری، مسعود. (۱۴۰۱). شناسایی و اولویت بندی راهکارهای ارتقاء دسترسی کسب‌وکارهای کوچک و متوسط به خدمات بانکی در ایران. توسعه کارآفرینی، ۱۵ (۴): ۶۳۷-۶۳۹.

ستایش، هدیه؛ معمارنژاد، عباس؛ هژیرکیانی، کامییز؛ ترابی، تقی. (۱۴۰۱). بررسی اثر کارگاه‌های صنعتی کوچک و متوسط بر رشد ارزش‌افزوده بخش صنعت در اقتصاد ایران، فصلنامه اقتصاد مالی، دوره ۱۶، شماره ۲، (پیاپی ۵۹)، صفحه ۲۲۱ تا ۲۵۲.

سودی، حورا؛ ملکی آوارسین، صادق؛ سید نظری، نیر. (۱۳۹۶). بررسی نقش آموزش‌های کاردانش در ایجاد نگرش کارآفرینانه در هنر جوان، فصلنامه نوآوری و ارزش آفرینی، شماره ۱۲، سال ۶ صص ۹۹-۱۲۱.

شبابی، هومن (۱۴۰۱). ارائه الگوی عوامل مؤثر در تأمین مالی خارجی نوآوری شرکت‌های کوچک و متوسط با استفاده از روش فراترکیب، فصلنامه سیاست‌نامه علم و فناوری، دوره ۱۲، شماره ۲، صفحات ۲۵-۴۴.

کرکه‌آبادی، مهدیه؛ عسگری‌نژاد، خلیل. (۱۴۰۱). نقش سرمایه‌گذاری پرریسک در وام‌های شرکت‌های کوچک و متوسط (SME)، کنکاش مدیریت و حسابداری، جلد ۲، شماره ۳، صص ۷۸-۹۵.

کریمی، آسن؛ بوذرجمهری، شهریار (۱۳۹۲). "تحلیل موانع تأمین مالی برای شرکت‌های کوچک و متوسط"، نشریه توسعه کارآفرینی، ۱۶(۱): ۱۲۵-۱۴۴.

گلقدشتی، مریم و محمدابراهیم آقابابائی (۱۳۹۷). تأثیر منابع تأمین مالی بر رشد شرکت‌های کوچک و متوسط پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه اقتصاد مالی، سال دوازدهم شماره ۴۴، ۱۶۰-۱۴۳.

محمودی، وحید؛ بابایی، علی؛ عباسیان، عزت‌اله. (۱۴۰۱). رتبه‌بندی آلترناتیوهای تأمین مالی بنگاه‌های کوچک و متوسط بر حسب ریسک اعتباری، نشریه علمی سیاست‌گذاری اقتصادی، مقاله پژوهشی/ سال چهاردهم، شماره بیست و هشتم، ص ۲۴۶-۲۱۷.

مران‌جوری، مهدی؛ عنایت‌پورشیاده، ابراهیم؛ درخشان، جواد. (۱۴۰۱). تأثیر عملکرد مالی بر استفاده شرکت‌های کوچک و متوسط از اعتبار تجاری، نشریه تحقیقات حسابداری و حسابرسی، شماره ۵۴ (ب/ISC)، صفحات ۳۹-۴۹.

مرکز ملی مطالعات، پایش و بهبود محیط کسب‌وکار (۱۳۹۷). گزارش بررسی وضعیت ایران در شاخص سهولت انجام کسب‌وکار سال ۲۰۱۹ میلادی بانک جهانی، وزارت امور اقتصادی و دارایی، معاونت امور اقتصادی.

مقدم، ندا؛ ضیاء، بابک؛ صادقی، حسین؛ سجادی، سید مجتبی. (۱۴۰۱). طراحی و اعتبار سنجی الگوی گرایش کارآفرینانه بین‌الملل در کسب‌وکارهای ایرانی، فصلنامه نوآوری و ارزش آفرینی، دوره ۱۱، شماره ۲۲، صص ۸۴-۶۳.

ملایی، زینب؛ منکاو، مهدی. (۱۴۰۰). شناسایی و اولویت‌بندی معیارهای اعتبارسنجی شرکت‌های کوچک و متوسط با استفاده از تکنیک AHP، فصلنامه مطالعات مالی و بانکداری اسلامی، دوره ۷، شماره ۱۶ صفحه ۱۷-۴۲.

موسوی، سید محسن، فرهادی، روح‌الله، هنرکار، حمیدرضا (۱۳۹۳). روش‌های تأمین مالی بنگاه‌های کوچک و متوسط، اندیشه اقتصادی، شماره ۲.

Alina, V., Florin, C., & Nicoleta-Claudia, M. (۲۰۲۱). The impact of good governance on entrepreneurship in terms of sustainable development. In *Contemporary Issues in Social Science*, ۱۰۶, pp. ۳۰۷-۳۲۵. <https://doi.org/10.1108/S105692021000106019>

Cainelli, G., & Giannini, V. (۲۰۱۹). *Small firms and bank financing in bad times*. Springer science +Business Media, LLC, part of Springer Nature, ۱-۱۱.

Covin, J. G., Rigtering, J. C., Hughes, M., Kraus, S., Cheng, C. F., & Bouncken, R. B. (۲۰۲۰). Individual and team entrepreneurial orientation: Scale development and configurations for success. *Journal of Business Research*, 112, ۱-۱۲. <https://doi.org/10.1016/j.jbusres.2020.02.023>

Dima, B., Lobonț, O. R., & Moldovan, N. C. (۲۰۱۶). Does the quality of public policies and institutions matter for entrepreneurial activity? Evidences from the European Union's member states. *Panoeconomicus*, 63(۴), ۴۲۵-۴۳۹. <https://doi.org/10.2298/PAN1604425D>

Gumparthi, S., Khatri, S., & Manickavasagam, V. (۲۰۱۱). Design and development of credit rating model for public sector banks in India: Special reference to small and medium enterprises. *Journal of Accounting and taxation*, 3(۳), ۱۰۵-۱۲۴.

- Le, T. T., & Ikram, M. (۲۰۲۲). Do sustainability innovation and firm competitiveness help improve firm performance? Evidence from the SME sector in vietnam. *Sustainable Production and Consumption*, 29, ۵۸۸-۵۹۹. <https://doi.org/10.1016/j.spc.2021.11.008>
- Li, Z., & Zhong, J. (۲۰۲۰). Impact of economic policy uncertainty shocks on China's financial conditions. *Finance Research Letters*, 35, ۱۰۱۳۰۳. <https://doi.org/10.1016/j.frl.2019.10.1303>
- Malecki, E. J. (۲۰۱۸). Entrepreneurship and entrepreneurial ecosystems. *Geography compass*, 12(۳), e۱۲۳۵۹. <https://doi.org/10.1111/gec3.12359>
- Mansion, S. E., & Bausch, A. (۲۰۲۰). Intangible assets and SMEs' export behavior: a meta-analytical perspective. *Small Business Economics*, 55, ۷۲۷-۷۶۰. <https://doi.org/10.1007/s11187-019-0182-۵>
- Pramono, R., Sondakh, L. W., Bernarto, I., Juliana, J., & Purwanto, A. (۲۰۲۱). Determinants of the small and medium enterprises progress: A case study of SME entrepreneurs in Manado, Indonesia. *The Journal of Asian Finance, Economics and Business*, 8(۱), ۸۸۱-۸۸۹.
- Riviere, M., & Romero-Martínez, A. M. (۲۰۲۱). Network embeddedness, headquarters entrepreneurial orientation, and MNE international performance. *International Business Review*, 30(۳), ۱۰۱۸۱۱. <https://doi.org/10.1016/j.ibusrev.2021.10.1811>
- Roy, P. K., & Shaw, K. (۲۰۲۱). A multicriteria credit scoring model for SMEs using hybrid BWM and TOPSIS. *Financial Innovation*, 7(۱), ۷۷. <https://doi.org/10.1186/s40854-021-00295-۵>
- Shiyuti, H. A., Zainol, F. A., & Ishak, M. S. I. (۲۰۲۱). Why business fail? A thematic review analysis on SMEs. *The Journal of Management Theory and Practice (JMTP)*, 2(۲), ۱-۱۱. <https://doi.org/10.37231/jmtp.2021.2.2.98>
- Stiebale, J., & Wößner, N. (۲۰۲۰). M&As, investment and financing constraints. *International Journal of the Economics of Business*, 27(۱), ۴۹-۹۲. <https://doi.org/10.1080/13۵۷۱۵۱۶.2019.16۵۳۷۱۹>
- Wales, W., Gupta, V. K., Marino, L., & Shirokova, G. (۲۰۱۹). Entrepreneurial orientation: International, global and cross-cultural research. *International Small Business Journal*, 37(۲), ۹۵-۱۰۴. <https://doi.org/10.11۷۷/0۲۶۶۲۴۲۶۱۸۸۱۳۴۲۳>

## Designing a banking industry financial performance model to support small and medium-sized businesses (SMEs) with an emphasis on entrepreneurship

*Anoushirvan Mehrabi<sup>۱</sup>, Babak Haji Karimi<sup>۲</sup> and Amir Najafi<sup>۳</sup>*

### *Abstract*

The aim of this study is to create a financial performance model for the banking industry, with a focus on providing better assistance to small and medium enterprises (SMEs) and promoting entrepreneurship at Bank Mellat. The qualitative part of the study involved experts in banking and entrepreneurship, including university professors and senior management personnel from Bank Mellat. The theoretical sampling involved interviewing twelve experts, including university professors specializing in banking and entrepreneurship, as well as senior managers from Mellat Bank. This process has reached saturation. The research used grounded theory framework, expert interviews, and three forms of coding: open coding, axial coding, and selective coding. Data collection was conducted through interviews with subject matter experts. The ISM-DEMATEL integrated approach was used to categorize and prioritize the factors. It was employed to determine the nature of the variables, analyze the interconnections among the model's variables, evaluate the strength of these relationships, and assess the influence and effectiveness of the established criteria. Following the completion of data collection, an analysis was conducted utilizing SPSS and Smart PLS software. The findings indicated that the primary components of the model encompass validation, infrastructure, financial policy, investment, risk, and transparency. Research findings suggest that the initial level encompasses risk management, the subsequent level pertains to investment and economic transparency, the third level addresses infrastructure, the fourth level involves validation, and the fifth level pertains to financial policies. The GOF index for this study is recorded at ۰,۴۱۶, indicating a significant fit of the structural model.

**Keywords:** financial performance, Banking industry, small and medium businesses, grounded theory, structural modeling

---

<sup>۱</sup> PhD student in industrial management, finance major, Abhar Branch, Islamic Azad University, Abhar, Iran, smehrabi^@gmail.com.

<sup>۲</sup> Assistant Professor, Department of Industrial Management, Abhar Branch, Abhar Islamic Azad University, Iran, hajikarimibabak@gmail.com.

<sup>۳</sup> Associate Professor, Department of Industrial Management, Zanjan Branch, Zanjan Islamic Azad University, Iran, asdnjf@gmail.com.